

در آستانه‌ی گشایش مدارس !

رشاد - مصطفی سلطانی

چهاردهم سپتامبر

۲۰۱۷



ولادیمیر ایلیچ لنین : در همه چیز صرفه جوئی کنید بغیر
از آموزش و پرورش !

این روزها مدارس در ایران باز و جمعیت عظیمی از کودکان ، نوجوانان ، جوانان و دانشجویان پشت میزهای تحصیلی رفته که گویا دانش و علم ، در سیستم جمهوری اسلامی بیاموزند . آموزش های قبلی ، با دنیای مدرن و گلوبال بیگانه بوده و ، چهارده در صد از جوانان به مواد " روان گردان و مخدر " و امفتامین و دوپینگ معتاد بوده و هستند . از تفریحات سالم خبری نیست و جوانان سرگرم استفاده از مشتقات مواد روان گردان و کنجکاوی های جنسی در ماسمیدیا هستند . در صد بزرگی از جوانان که مدارک اکادمیک و دانشگاهی دارند بیکارند . کلاس های اجباری قران با تفنگ و دیکتاتوروی رونق گرفته ، که این کلاس ها جوابگوی اعتماد به نفس ، امید و آرزوهای نسل جدید نبوده و نیست . در سطح شهر ها کودکان بیدفاع و

معصوم به نیروی "کودکان کار" پیوسته که در حقیقت این طیف، بی پناه ترین و بی دفاع ترین و بخشی از نیروی تولیدی که در استانه‌ی استثمار وحشیانه و گاه‌آزار جنسی قرار می‌گیرند. محیط فعالیت "کودکان کار" در جاهای نمود، کارگاه‌های تاریک و زیرزمین‌ها می‌باشد. حدود تقریباً پانزده میلیون کودک زیر هیجده سال وجود دارد، که ۱۲ میلیون دانش آموز و بقیه اردوی کودکان کار را تشکیل می‌دهند که در آجر پزی‌ها، قالی بافی‌ها، شیشه بری‌ها، دستفروشی در خیابانها، فال فروشی، آدامس فروشی، آب فروشی، کفاشی، گل فروشی و خصوصاً کار خطرناک "تفکیک زباله‌ی شهرها" مشغولند. در قوانین اسلام سیاسی و سیستم‌های دیکتاتور، والدین مسئول و قیم کودکان بوده و جامعه در برابر این سرمایه‌ی بشری مسئولیتی را نپذیرفته و نمی‌پذیرد. لذا فروش اعضای بدن کودکان، ول کردن و فروش و رها کردنشان از طرف والدین امری عادی و معمولی است. آموزش در سیستم جمهوری اسلامی بر اساس دین و پرورش برمبنای مذهب تکیه دارد. در حالیکه ایمان و عقاید دینی یک پدیده‌ی شخصی بوده که این رابطه تنها بین انسان و کردگار (یزدان) اعتبار دارد. در قرن بیست و یک هیچ سیستمی مجاز نیست که جوانان را از آموزش و پرورش مدرن، سیکولار و علمی محروم سازد. کتاب‌خانه‌ها در سیستم جمهوری اسلامی در شهرها و محلات و شهرک‌ها بیرمق بوده که نیاز علمی خوانندگان را تامین نمی‌نماید. وزیر آموزش و پرورش رژیم در سخنرانیش گفته‌است: "آموزش و پرورش از ریل اصلی خویش خارج گشته و بسوی جاده‌ی خاکی سمت و سو گرفته و رفته‌است و، تغییر ساختار آموزش و پرورش به وصله و پینه‌ای شباهت دارد که هر اندازه قطار را فشار دهیم کمی حرکت میکند اما کسی را بمقصد نمی‌رساند" سرنوشت چهارده میلیون دانش آموز و یک میلیون معلم و پرسنل آموزشی کاملاً تاریک و مبهم و این جمعیت، مسافران عالیقدر قطار اسلامی می‌باشند. حتی کار بجائی رسید که برای سروسامان دادن به وضع اسفبار و پروژه‌های شکست خورده‌ی آموزش و پرورش، ناخدائی را در قالب یک ژنرال باپوتین‌هایش آرزو شده که آموزش و پرورش را نجات دهد. آپارتاید جنسی و تحقیر دختران سیستماتیک اجرا می‌گردد. در سیستم جمهوری اسلامی آموزش و پرورش تحت انقیاد سازمان‌های مخوف امنیتی

و نظامی و حوزه‌های قم ، مشهد، تبریز و اصفهان قرار گرفته‌است . زبان مادری ملل ساکن ایران بغیر از زبان فارسی همگی قدغن بوده ، و بلوچ ها ، ترکمن ها، عرب ها، آذری ها و لر ها از خواندن گنجینه‌های غنی زبان مادری محروم گشته‌اند . وخالق تاثیرات مخرب سایکولوژی بوده‌و، بشدت سطح یادگیری و اعتماد به نفس را در میان شهروندانی که فارسی زبان مادریشان نیست پایین آورده‌است . بیشترین پتانسیل و توجه وزارت آموزش و پرورش به تاسیس نماز خانه،احیای چادر و مقنعه، تربیت مدرس های نماز، اردوهای بازسازی جبهه ی جنگ ، نماز جماعت و راهیان نور و ترویج صلوات و آموزش کتاب آسمانی معطوف گردیده‌است . مدارس در استان های بلوچستان ، لرستان، زاهدان و نواحی کویری و کردستان کلاسیک و قدیمی و فرسوده بوده که بی نهایت شکننده و نیاز به مقاوم سازی و تعمیر اساسی دارند . پروسه و پروژه‌ی خصوصی سازی مدارس بیداد میکند و حقیقتا طبقاتی شده و بین دارا و ندار تقسیم گردیده‌است . مهد کودک ها به نهاد های مذهبی که فاقد صلاحیت علمی بوده وهستند واگذار شده‌است . مدارس را به دولتی ، نیمه دولتی ، غیر انتفاعی، هیئت امنائی ،امین ، شاهد و تیزهوشان تقسیم گردیده که هزینه‌ی شهریه اینگونه مدارس در سطح باور نکردنی است . حدود هفت میلیون کودک بسوی مدارهای محرومیت از تحصیل پرتاب شده‌اند . دختران در سنین پائین ، بر اثر محرومیت های تحصیلی جامعه شوهر می کنند . دختران درس خوان و نابغه در دهات بعلت نبود مدارس آموزشی توانائی کوچ به شهر ها را نداشته و مستقیماً از تحصیل محرومند . چادر و روسری اجباری شده و قهرمان شطرنج ایران در مسابقات جبل الطارق بدون چادر و روسری شرکت کرد ، که او را به‌دادگاه و محاکمه کشیدند . عناوین عقب مانده و ارتجاعی"دیوار حیا " و " تفکیک جنسی" بافرهنگ مدرن و و بشردوستانه ی امروزی انطباق نداشته وجامعه را از رشد بالنده و تکامل طبیعی خویش باز میدارد ومحروم میسازد . اکنون در سیستم جمهوری اسلامی ۳۱ هزار آخوند و ۵ پنج هزار مربی قران در مدارس با پدیده ی مغز شوئی مشغول بوده که‌بلاشک درسال تحصیلی جدید این ارقام بیشتر خواهد گردید . محتوی کتاب های درسی از دبستان تا دانشگاه

علمی نبوده و دروس تکامل و زیست شناسی در بستر سانسور شدید قرار دارند . برای باز سازی کشور لبنان صد میلیون دلار و برای براه انداختن نیروگاه‌های برق در سوریه میلیارد ها دلار اختصاص داده و به افراد مسن در سازمان حماس در فلسطین و شیعیان یمن حقوق بازنشستگی تعلق میگیرد .

* * * * *